

# "اصلاح اصلاحات"

چیزی جز نظام جمهوری اسلامی نیست.

سخنان ایشان فقط یک ایراد دارد که وقتی به آن دقت میکنی این حرفها دیگر به هذیان شبیه میشود. تصور میکنم که جمهوری اسلامی واقعا زمین چمن است، بازیکنانش دو تیم راست و جبهه دوم خرداد هستند، و کاپیتانهایش خاتمی و خامنه ای هستند که هر وقت و هر جور عشقشان کشید میتوانند بازی و بازیکنان را چپ و راست کنند و لابد مردم هم قرار است از جایگاه تماشاچی برایشان صلوات ختم کنند. نه خیر، آقای شمس الوعظین، بیخود ادای جامعه شناس در نیابید. خیلی دیر

صفحه ۳



میتواند با اعتراضات خود توازن سیاسی جامعه را بهم بزند. ترس حضرات واقعی است. اینبار جنبش اعتراضی علیه جمهوری اسلامی میتواند از خرم آباد و ۱۸ تیر بسیار فراتر برود.

جناح راست صراحتا قدره از رو می بندد. مانور بسیج، و سپاه و ارتش (بویژه در مناطق حساس مثل سنجند و خرم آباد)

صفحه ۲

## اعتراض کارگران فولاد اهواز

صفحه ۴

را ندارند بلکه میخواهند درون ساختار اصلاح کنند. انتقال چالشها به خیابان و عرصه اجتماعی هزینه سنگینی دارد. اصلاح طلبان باید به شدت از انتقال چالشها به بدنه اجتماعی پرهیز کنند. یکی از انتقادات وارد به اصلاح طلبان این است که در قانع کردن حریف مبنی بر اینکه قصد حذف او را از صحنه سیاسی ندارند ناکام بوده اند. اصلاح طلبان رقیب خود را خرد کردند و تا آنجا که میتوانستند قدرت رقیب را در برابر خود کاهش دادند و این حرکت برای مبارزه سیاسی ناصواب است. اگر به جای اصلاح طلبان بودم نیروی خردروز محافظه کاران را در لیست انتخاباتی خود قرار میدادم. مهمترین هدف برای گروههای اصلاح طلب باید حفظ زمین چمنی باشد که بر روی آن بازی صورت میگیرد که این چمن

گلاب افشانیهای امثال فرخ نگهدار و کشتگر و عافیت جویان ابن الوقت و بی اصول اکثریت و توده و جمهوریخواهان باصطلاح غیر خودی چند کلمه حرف حساب زد و منظور رئیس جمهور را سیاه روی سفید، بی غل و غش، برخلاف مص مصص کردنهای معمولی خود رئیس جمهور توضیح داد:

"اگر مناقشات و چالشهای اجتماعی به نهادهای شناخته شده منتقل نشود و در آنجا حل نشود آنگاه مطالبات جامعه با هزینه ای بیشتر و با شیوه ای رادیکالتر مطرح میشود. اصلاحات فراتر رفتن از نظام نیست بلکه فرورفتن در نظام است. اصلاحات آسیب رساندن به نظام نیست بلکه آسیب شناسی و آسیب زدایی از نظام است. اصلاح طلبان قصد تغییر ساختار

محسن ابراهیمی

باید خود اصلاحات را اصلاح کرد. این اخیرترین تعبیر حجت الاسلام والمسلمین، آخوند اول جناح دوم خردادی حکومت اسلامی از سرنوشت دوم خردادیهاست.

منظور رئیس جمهور رژیم اسلامی چیست؟ چه چیزی نگرانش کرده؟ مگر خود "اصلاحات" دوم خردادیهها چه گلی بر سر مردم زده بود که باید اصلاحات را اصلاح کرد؟ چرا دوم خردادیهها راه افتاده اند و با دنیایی از تشویش و دلهره از دوم خردادی بودنشان توبه میکنند؟ چرا به خود و گذشته شان لعنت میفرستند؟

الحق که به شمس الواعظین، سردبیر "عصر آزادگان"، خودی و زندانی موقت جناح راست درود فرستاد که زیر الطاف رفت اسلامی یک هفته ناقابل مرخصی گرفت و جلوی میکروفون ایسنا ظاهر شد و در مقابل این همه غبارروبیها و

انترناسیونال

## هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: منصور حکمت

www.haftegi.com

# ۲۲

۸ مهر ۱۳۷۹

۲۲ سپتامبر ۲۰۰۰

جمعه ها منتشر میشود

دوراهی دوم خرداد

صفحه ۳

در لایبزیگ و سویکاو چه گذشت؟

صفحه ۴

سفر بدفرجام خرازی

صفحه ۳

توجه:

به نمایندگان کنگره

صفحه ۳

رادیو انترناسیونال

هر شب ۳۰:۹ تا ۱۰

بوقت تهران

۱۹ متر برابر با

۱۵۵۵۰ کیلوهرتز

تلفن

0044 771 461 1099

مرکز اطلاعات

و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

# بعد از جمهوری اسلامی

محسن ابراهیمی

ebrahimi1@yahoo.com



منوط به این است که در جریان سرنگونی، و بعد از پایان حیات حکومت اسلامی، کدام نیرو، با چه برنامه سیاسی و اقتصادی دست بالا را داشته باشد: نیروهای طرفدار روابط نابرابر سرمایه داری یا نیروهای طرفدار جامعه آزاد و برابر سوسیالیستی.

برایست و یکسال پیش، مردم ایران در مقیاسی میلیونی به خیابان آمدند، نظام سلطنت را به مصاف طلبیدند تا از چنگ فقر، نابرابری، استبداد سیاسی، دستگاه ساواک، شکنجه و زندان رها شوند. اما به جایش یک ارتجاع تمام عیار سیاسی، فرهنگی، فقر و بیکاری گسترده تر نشست. اگر در مقطع انقلاب،

یک حزب سیاسی پیشرو، سکولار، آزادیخواه، برابری طلب و آماده برای کسب قدرت سیاسی میتوانست در راس مبارزات اعتراضی کارگران قرار گیرد؛ اگر آنروز کارگران متشکل بودند؛ با شعارها و مطالبات مستقل در تحولات سیاسی دخالت میکردند؛ برنامه خود برای برابری و آزادی کل انسانها را در مقابل برنامه احزاب و نیروهای طرفدار مناسبات موجود سرمایه داری قرار میدادند؛ پیشاپیش اعتراضات مردم قرار میگرفتند؛ امروز مردم

تاریخ سیاسی ایران در حال ورق خوردن است. جمهوری اسلامی رفتنی است. چه راست و چه دود خردادی صریحا به این اعتراف میکنند. مردم، جوانان و زنان و کارگران برای آن ثانیه شماری میکنند و برای سرعت دادن به آن مبارزه میکنند. از این حقیقت، هیچ راه گریزی نیست.

اما، رفتن نظام اسلامی نیمی از مساله است. نیم دوم و به همان اندازه مهم این است که روی ویرانه های نظام اسلامی چه نظامی مستقر خواهد شد؟ شیوه اداره سیاسی جامعه چگونه خواهد بود؟ روابط اقتصادی جامعه چه تغییراتی خواهد یافت؟ موقعیت انسانها در اقتصاد جامعه چگونه خواهد بود؟

آیا این سوال زودرس نیست؟ آیا نباید فعلا فقط در فکر سرنگونی بود و سرنوشت جامعه بعد از سرنگونی را به بعد از پایان حکومت اسلامی سپرد؟ آیا نباید بحث را گذاشت به "بعد از مرگ شاه"؟ نه، به این سوال به دلایل زیادی باید پرداخت از جمله اینکه: مشخصات دنیای بعد از جمهوری اسلامی، بخشا

دمکراتیک، جمهوری ملی ایران و یا هر اسم دیگری، در یک چیز وجه اشتراک دارند: نمیخواهند به بنیاد اقتصادی جامعه، به کار مزدی، به بهره کشی اقلیتی از اکثریت عظیم جامعه دست بخورد. میخواهند وسایل تولید همچنان در دست اقلیتی باقی بماند و اکثریت کارگر جامعه برای صاحبان این وسایل کار کنند و سود تولید کنند. از نظر اینها، ارتش، امنیت، دادگاه، پلیس، زندان، پرچم، سرود، جمهوری، مجلس، ابزارهای ضروری حفظ همین وضع هستند. همه اینها باید کارگر را ساکت نگاه دارند، اعتصابش را سرکوب کنند، دهانش را ببندند، رهبرش را سر به نیست کنند و حزبش را ممنوع کنند. این نیروها میدانند حضور گسترده کارگران و احزاب چپ و کمونیست در جریان سرنگونی رژیم اسلامی، کارگران و توده وسیع زنان و جوانان را در موقعیت قدرتمندی برای ترسیم سیمای اقتصادی و سیاسی بعد از جمهوری اسلامی قرار خواهد داد. دقیقا برای جلوگیری از چنین اتفاقی، به هر بند و بستنی دست خواهند زد، دنبال نوفل لوشاتوی دیگری خواهند بود، به هر شیوه ای متوسل خواهند شد تا اسلحه دست کارگران و جوانان نیافتد، پادگانی فتح نشود، دستگاههای سرکوب در هم نریزد، مجامع عمومی کارگران به میدان نیاید، شوراها کارگری راه نیافتد، جنبش کارگری به نیروی دخالتگر

در ایران در شرایطی عمیقا متفاوت قرار داشتند. دول غرب و طبقه سرمایه دار در ایران، دقیقا با وقوف به این حقیقت دست بکار شدند تا نگذارند انقلاب ایران چنین سمت و سوی پیدا کند. مردم را به خانه هایشان برگرداندند، نیروهای سرکوبشان را حفظ کردند، آمل و آرزوهای مردم را به خون کشاندند، و دست آخر انقلاب را شکست دادند و نظامی فاسدتر از نظام سلطنتی به جایش نشاندند. میتوان و نباید گذاشت این تجربه تکرار شود.

جریانات اپوزیسیون برنامه مشابهی برای فردای سرنگونی رژیم اسلامی ندارند. دقیقا برعکس، این جریانات تمایلات و منافع متفاوتی را دنبال میکنند. این جریانات با تمام تنوع در تاکتیکهای سیاسی، با تمام تنوع ابراز وجود سازمانی، در سطح کلی دو دسته اند و دو آینده متفاوت را تدارک میبینند: در یکطرف نیروهایی هستند که صرفنظر از اینکه با چه عنوان و اسم سیاسی ظاهر شوند، سلطنت مشروطه، جمهوری

تبدیل نشود، شعار برابری انسانها داده نشود و پرچم برابری طلبی و آزادیخواهی پیشاپیش اعتراضات قرار نگیرد.

نیروی دیگر، توده وسیع کارگران، زنان و جوانانی هستند که دنیای بعد از جمهوری اسلامیشان کاملا متفاوت از دنیای مورد نظر نیروی اول است. اینها بیشترین بهره را از مناسبات برابر و آزاد برای همه انسانها خواهند برد. حزب کمونیست کارگری متشکلترین، آماده ترین و شفاف ترین و صریحترین تشکیلی است که مدافع چنین دنیای برابر و آزاد است. دنیایی که در آن شوراها مردمی ظرف دخالت فعال مردم در مورد تمام جوانب زندگی شان است؛ آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، ابراز وجود سیاسی حق همه انسانهاست؛ مذهب هیچ دخالتی در زندگی اجتماعی، سیاسی و آموزشی مردم ندارد؛ دستگاههای تعقیب و تفتیش عقاید و آزار و شکنجه برچیده شده اند؛ وسایل تولید ثروت اجتماعی در اختیار جامعه است و همه انسانها به طور برابر از امکانات و ثروت اجتماعی بهره مند هستند. هر قدر این نیرو قدرتمندتر شود، بیشتر در شکل دادن به اوضاع سیاسی آینده نقش داشته باشد همانقدر دنیای بعد از جمهوری اسلامی به نفع کل جامعه رقم خواهد خورد. این تنها تضمین آغاز جامعه ای انسانی روی ویرانه های نظام اسلامی است.

اسلامی سخت و سخت تر میشود. اعتراضات دانشجویان و دانش آموزان میتوانند نقش تعیین کننده ای در شکستن این آخرین مقاومتهای جمهوری اسلامی در برابر جامعه ای که آنرا نمی خواهد داشته باشد. در این میان دانشجویان و دانش آموزان کمونیست لازم است در سازماندهی اعتراض علیه جمهوری اسلامی و مقابله با سرکوب، در خنثی کردن تحکیم وحدت و تامین یک رهبری رادیکال و پیگیر نقش محوری بر عهده گیرند.

آموزان، اساسا پشت سر ولایت فقیه و سیاست سرکوب سیستماتیک مردم و غیر خودی ها، یا همان "خط اعتدال" مورد توافق هردو جناح، سنگر میگیرند در حالیکه هنوز روی توان مهار از پایین، ایفای نقش ضربه گیر و کتک خور دوم خرداد و تحکیم وحدت حساب میکند. این صف آرای جمهوری اسلامی موقتی و شکننده است. با کوچکترین اعتراض جدی جامعه، این قرار و مدارها بهم میریزد، طرفین به جان هم می افتند هر بار بهم آوردن شکاف های جمهوری

خارج کشور با لحن تندتری نسبت به عواقب چرخش خاتمی برای دوم خرداد و "اصلاحات" هشدار میدهند. تحکیم وحدت بیشتر به این بخش گرایش تعلق دارد. اینها خواهان نوعی "مقاومت" و "اقدام هماهنگ" دوم خرداد از بالا (دولت و مجلس) و از پایین (بر پایایی اجتماعات و جلسات و غیره) در برابر قداره کشی آشکار جناح راست هستند. این از سر وحشت از بی عاقبتی سیاستهای راست و سران دوم خرداد است. تقابلی برای کنترل و مهار فشار از پایین است که بویژه بعد از وقایع خرم آباد به استراتژی "عبور از خاتمی" گرایش پیدا کرده است.

در مجموع جمهوری اسلامی در مقابله با جنبش اعتراضی جامعه و پیکان تیز آن، یعنی جنبش اعتراضی دانشجویان و دانش

آن دچار است. از آنسو، دوم خرداد از هم وا میروند. یک بخش آن علنا در کنار "عقلانی جناح راست قرار میگیرد. حزب مشارکت و برخی نمایندگان دوم خردادی به دیدار رفسنجانی میروند. خاتمی دائم دارد از حکومت دینی و ولایت فقیه دم میزند و به "فهرمان" کنار آمدن بخش حکومتی و محافظه کار دوم خرداد با راست تبدیل میشود. سخنان بسیار محافظه کارانه وی در دانشگاه که گفت "جامعه به اعتدال نیاز دارد" و علیه خطر "فرصت طلبان" هشدار داد، نمونه وار بود. بخش دیگری از دوم خرداد بعوض خود را از این روند جدا میکند و با انتقاد از "آرامش فعال" سعی میکند ظاهر رادیکالی بخود بگیرد. کسانی چون سحابی، علوی تبار و عبدی در داخل کشور و طیف اکثریت در

از صفحه ۱

## دانشگاه و توازن قوای سیاسی

راه می اندازد، در هفته فاطمه زهرا علیه بی حجابی و بد حجابی رجز خوانی میکند، قوه قضاییه "ستاد تامین امنیت کشور" تشکیل میدهد، مکررا از زبان شاهرودی به قصاص و اعدام بیشتر تهدید میکند، انگشتان دست پیرمردی را در خرم آباد زیر گیوتین می برد، در شیراز مجددا بساط نوار جمع کنی از اتومبیل ها و مغازه ها راه می اندازد و خلاصه خود را برای اعمال روش هایی آماده میکند که پس از ۲۰ سال به شکست انجامیده و نتوانسته مانع تکنمایی شود که جمهوری اسلامی امروز به

**به انترناسیونال هفتگی  
کمک مالی کنید!**

تا نفرت مردم را به جنبشی برای تعدیل و حفظ همین رژیم موجود کانالیزه کند، تا مردم را از دست بردن به ارکان نظام بازدارد، تا با زنده نگاه داشتن امید به تغییر از درون مردم را از سرنگونی منصرف کند.



از همان آغاز روشن بود که جنبش دوم خرداد تاریخ مصرف محدود و معینی دارد. اکنون با بمیدان آملن مستقل مردم به صحنه سیاسی، با پوچ درآملن ایده تغییر از درون، و حملات صریح مردم به ارکان نظام، تاریخ مصرف جنبه دوم خرداد هم عملاً به سر آمده است. هیچ استراتژی و تاکتیک دوم خردادی، "آرامش فعال"، اقدام هماهنگ، "سکوت مسئولانه"، قادر نیست این جریان را نجات دهد.

تناقضی که جنبه دوم خرداد اکنون با آن روبرو است، از سرشت و ماهیت این جنبه سرچشمه میگیرد. دوم خرداد زاینده شریطی است که نفرت و انزجار مردم از جمهوری اسلامی، از حکومت مذهبی، آپارتاید جنسی، استبداد و خفقان سیاسی، و فقر و فلاکت اقتصادی با صراحت و علنیت هر چه بیشتری به بیان درآمد. دوم خرداد پا بمیدان گذاشت

## دوراهی دوم خرداد: "آرامش فعال" یا "عبور از خاتمی"

آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

دوم خرداد بر سر دو راهی آرامش فعال یا عبور از خاتمی آذر ماجدی

جنبه دوم خرداد دچار تشقت است. از جانب مردم و جناح راست شدیداً تحت فشار است. آنچه خاتمی "دو لبه قیچی خطرناک فشار" مینامد. بدنبال حکم خامنه ای و سر فرود آوردن سردمداران جنبه دوم خرداد، و ورود هر چه مستقل تر مردم به صحنه نبرد سیاسی، بویژه در خرم آباد، دوم خرداد به بازیابی و باز تعریف استراتژی، هویت، و برنامه سیاسی خود روی آورده است.

استراتژی "آرامش فعال" از درون صفوف "جنبه اصلاحات" زیر سوال رفته است. عزت الله سبحانی میگوید: "من معنی آرامش فعال را نمی فهمم، وقتی مردم یا اصلاح طلبان سرکوب میشوند و به حقوق آنها تجاوز میشود، معنی آرامش فعال چیست؟ "آرامش" پاسخ شرایط متشنج امروز کشور نیست، بنابراین باید مقاومت کرد."

علی رضا علوی تبار توضیح میدهد که: "آرامش طلبی اصلاح طلبان، از سر ترس نیست، بلکه بخاطر مسئولیت است، یعنی اگر

گاهی سکوت میکنند به آن دلیل است که میدانند، خشونت سم است و هرکس خشونت کرد خائن به ملت ایران است." و خود تاکتیک "اقدام هماهنگ" را برای شرایط حاضر توصیه میکنند.

رضا جعتی، عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، میگوید: "رفتار منفعلانه ای که متأسفانه با برداشت غلط از استراتژی آرامش فعال در نزد معدودی از مدیران اجرایی و نمایندگان مجلس ایجاد شده، زمینه های یاس و ناامیدی را در بخشی از جامعه بخصوص جوانان و نوجوانان، نسبت به ادامه اصلاحات فراهم آورده است." و ادامه میدهد که: "آرامش فعال بمعنای انفعال، زبونی، کوتاه آمدن مداوم و مغلوب شدن در برابر خواسته های نامشروع مافیای سیاه قدرت نیست." دفتر تحکیم وحدت زیر فشار رادیکالیسم روزافزون جنبش اعتراضی جوانان و دانشجویان قرار دارد، و در سالگرد خیزش ۱۸ تیر، تبعیت از سیاست آرامش فعال و "گل و لبخند" آنرا به حاشیه راند و منزوی کرد. از اینروست که به نقد این سیاست و رهبران دوم خرداد بلند شده است. در مقابل، دوم خردادی های مجلس اسلامی که زیان تسلیم به خواست مردم و ایستادگی در مقابل جناح راست را بخوبی درک میکنند، در بیانیه ای خطاب به دانشجویان بمنظور حفظ جمهوری اسلامی و

اگر در مقابل جناح راست سرکشی کنند، اگر از سیاست عبور از خاتمی و عبور از قانون اساسی تبعیت کنند، طوفان جنبش اعتراضی مردم آنها را نیز به همراه جناح راست و کلیت جمهوری اسلامی به هلاکت میرساند. برای آنها کاملاً عیان است که جنبش اعتراضی مردم بر اصلاحاتی که آنها وعده میدهند متوقف نمیشود، پس به صفوف خود هشدار میدهند که نگذاریم مطالبات مردم نامتناسب با "واقعیات و امکانات" رشد کند.

مساله اینجاست که راه نجاتی برای دوم خرداد وجود ندارد.

این مراسم هم به یک صحنه پرشور افشاکری و اعتراض به رژیم اسلامی تبدیل شد. در این تظاهرات ۱۲ نفر از تظاهرکنندگان توسط پلیس دستگیر شدند.

تظاهراتهای هفته گذشته بمناسبت سفر خرازی در لس آنجلس نشان داد که رژیم به سادگی در کالیفرنیا جنوبی تریبونی پیدا نخواهد کرد. ما تاکنون بارها اعلام کرده ایم که به رژیم اجازه حضور علنی در خارج از کشور را نخواهیم داد. اینجا محل جولان نیروهای جمهوری اسلامی نیست!

## سفر بدفرجام خرازی

نمیگذاریم رژیم اسلامی در خارج تریبون بگیرد

سخنرانی خرازی در دانشگاه UCLA با تظاهرات گسترده مردم معترض روبرو شد. متعاقباً جلسه سخنرانی اش در دانشگاه کالیفرنیا در ارواین توسط مقامات این دانشگاه لغو شد. بمنظور جبران این بی آبرویی نیروهای رژیم تلاش کردند مخفیانه مراسم شامی برای او در هتل ریتز کارلتون دناپوینت تدارک ببینند.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

### توجه:

#### به نمایندگان کنگره

سری اول قرارهای پیشنهادی  
برای همه ای میل شده است  
اگر دریافت نکرده اید  
با کمیته تشکیلاتی  
خود تماس بگیرید

اصغر کریمی رئیس هیات دبیران 0044-771 4097928  
آذر مدرسی دبیر تشکیلات خارج 0049-172 7823746

سازمان جوانان کمونیست:

بهروز مدرسی دبیر سازمان 0049172 295 7603

کمیته کردستان:

رحمان حسین زاده دبیر کمیته 0046-739 855 837

محمد آسنگران روابط عمومی 0049-177 569 2413

از صفحه ۱

### "اصلاح اصلاحات"

خارج کرده اند؛ از همدیگر آسیب شناسی کنید اما مردم شما را آسیب اصلی جامعه میدانند؛ به همدیگر بفهانید که قصد حذف کامل همدیگر را ندارید اما مردم قصد حذف کامل شما را دارند. تب سیاسی همه شما هم دقیقاً از همینجاست. طنز این جاست که شما دوم خردادها دقیقاً برای جلوگیری از "انتقال چالشها به خیابان" وارد میدان شدید اما از ترس گسترش همین چالشهای خیابانی شده مجدداً به هم آویزان شده اید. محکم به هم بچسبید. باهم عروج کردید، باهم سقوط خواهید کرد.

شده است. چالشها به خیابان منتقل شده، شیوه ها رادیکال شده، مردم از نظام فراتر رفته اند، آسیب رسانی به نظام در دستور قرار گرفته است، و خلاصه بازیکن دیگری وارد چمن شده است که نه چمنستان را میخواید و نه بازیستان را و نه بازیکنان را. شما میتوانید در هم فرو روید اما مردم از شما فرار رفته اند؛ خردورزان همدیگر را در لیستتان قرار دهید اما مردم شما عتیقه های اسلامی را از لیست

# در لایپزیک و سویکاو چه گذشت؟

آذر مدرسی

modaresi@aol.com



شدن یکی از تظاهر کنندگان اعلام کرد: "اعضای حزب کمونیست کارگری در لایپزیک علیه رفتار پلیس شدیداً اعتراض میکنند" و پلیس لایپزیک این اتهامات را به شدت رد کرده است و این در حالی است که حزب کمونیست کارگری فیلم این حمله وحشیانه پلیس را در دست دارد.

آنچه در این دو روز در سویکاو و لایپزیک گذشت گوشه کوچکی است از نبرد ما در دفاع از انسانیت و حقوق سلب ناپذیر مردم و علیه جمهوری اسلامی و حضورش در خارج کشور.

خشونت پلیس آلمان علیه پناهجویان، علیه آزادیخواهان و کمونیستهایی که به حضور نمایندگان کثیفترین رژیم قرن اعتراض دارند بخشی از سیاست راست دولت آلمان در مقابل پناهجویان، در مقابل معترضین به جمهوری اسلامی و سیاست حمایت این دولت از رژیم اسلامی در ایران است. دولت آلمان مسئول مستقیم این وحشیگری است و باید جوابگو باشد. ما این اعمال وحشیانه را به یک افتضاح سیاسی برای دولت و پلیس آلمان تبدیل خواهیم کرد و همه انسانهای آزادیخواه را به پیوستن و تقویت این مبارزه فرامیخوانیم.

از این برنامه اعلام میکند که با شرکت در این برنامه آنرا به تریبونی علیه جمهوری اسلامی و حامیان غربی اش تبدیل خواهد کرد و اجازه نخواهد داد خارج کشور جولانگاه نمایندگان رژیم اسلامی شود.

روز ۲۶ سپتامبر ساعت ۶ بعد از ظهر به محض شروع سخنرانی کریمیان، تعدادی از کادرها و فعالین حزب که در سالن حضور داشتند شروع به اعتراض کرده و اعلام میکنند که این رژیم نماینده فرهنگ سنگسار، ترور، اعدام و آپارتاید جنسی است و حمایت دولت آلمان از این رژیم را محکوم میکنند. این اعتراض با حمله وحشیانه پلیس و ضرب و شتم فعالین حزب روبرو میشود، اما سخنرانی کاردار سفارت رژیم اسلامی به سخنرانی و افشاگری فعالین حزب علیه حکومت ایران تبدیل میشود.

پس از پایان برنامه فعالین حزب و دیگر آزادیخواهان در خارج سالن با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی ماشین حامی کاردار را با تخم مرغ مورد حمله قرار میدهند. پلیس آلمان یکبار دیگر در حمایت از اوباش

و حزب کمونیست کارگری ایران در هایم روبرو میشوند، پلیس آنان را که علیه این رفتار وحشیانه اعتراض کرده و مردم را به مقاومت فرامیخوانند بشدت مورد ضرب و شتم قرار میدهد، بطوریکه سه تن از آنان به بیمارستان منتقل میشوند. اما اعتراض پناهجویان علیه خشونت پلیس بالا میگردد و جنگی تن به تن میان ۳۰۰ پناهجو که برای ابتدائی ترین حقوق خود مبارزه میکنند و پلیس شروع میشود، نردی که تا ساعت ۳ نیمه شب به درازا میکشد و افراد پلیس که بشدت کتک خورده بودند، فرار را بر قرار ترجیح میدهند.

لایپزیک، سه شنبه ۲۶ سپتامبر قرار است در این روز برنامه ای به اصطلاح فرهنگی تحت عنوان "دیالوگ با دوردستها" با همکاری سفارت جمهوری اسلامی برگزار شود و محمد باقر کریمیان کاردار فرهنگی سفارت در این برنامه در معرفی فرهنگ اسلامی سخنرانی کند. واحد آلمان حزب کمونیست کارگری به محض اطلاع

روز ۲۶ سپتامبر شهرهای لایپزیک و سویکاو در آلمان شاهد درگیری فعالین حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست، پناهجویان و آزادیخواهان با پلیس آلمان بود.

سویکاو، دوشنبه ۲۵ سپتامبر ساعت ۱۱ شب تعدادی پلیس مرزی آلمان به هایم شماره پنج پناهندگان در این شهر حمله میکنند و با وحشیگری در را میشکنند و در وارد اتاق یک خانواده لبنانی میشوند. این خانواده محکوم به بازگشت به جهنم لبنان و قربانی سیاست راست و ضد پناهندگی دولت آلمان اند. ورود خشونت آمیز پلیس، اعتراض پدر خانواده و گریه کودکان معصومی که با فریاد پلیس از خواب بیدار شدند قلب انسان را بدر می آورد. این رفتار وحشیانه پلیس با اعتراض تعدادی از اعضا و فعالین سازمان جوانان کمونیست

## اعتراض کارگران فولاد اهواز

حدود ۴۰۰۰ کارگر قراردادی صنایع فولاد اهواز در اعتراض به انجام ندادن تعهد کارفرما در مقابل خواسته های رفاهی کارگران دست به اعتراض زدند. کارگران صنایع فولاد برای گرفتن خواسته های خود تاکنون اعتراضات وسیعی انجام داده اند. بدنبال این اعتراضات و دو بار تجمع کارگران در مقابل دادگستری اهواز، کارفرما تعهد نمود که خواسته های کارگران را تامین میکند. یکی از این خواستها اجرای طرح طبقه بندی مشاغل است که بر اساس توافق کارفرما،

قرار شده بود هیئتی مرکب از نمایندگان کارفرما و نمایندگان اداره کار و نمایندگان کارگران اجرای این طرح و پرداخت پول کارگران را بعهده بگیرند. اما کتانی، رئیس مجتمع صنایع فولاد، در اینمورد دبه در آورد و زیر تعهدش زده است. در عکس العمل به این موضوع، کارگران قسمت ذوب از پنج روز پیش دست به اعتراض زده اند و از غذا خوردن امتناع کرده اند و از دو روز پیش سایر قسمتها نیز به آنان پیوسته اند و اکنون اعتراض این ۴۰۰۰ کارگر برای

اجرای سریعتر طرح طبقه بندی مشاغل و گرفتن خواسته های رفاهی ادامه دارد.

جمهوری اسلامی در یک بحران عمیق سیاسی و اقتصادی دست و پا میزند. این رژیم بار همه بحران اقتصادی را بدوش کارگران انداخته و آنان را در شرایط مشقت بار اقتصادی قرار داده است. حقوق بخش عظیمی از کارگران پرداخت نمیشود، دستمزدی هم که پرداخت میشود کفاف ابتدائی ترین نیازهای کارگران و خانواده شان را تامین نمیکند. و در مقابل، هزینه های گزاف و نجومی هر روز صرف گله آخوند و اوباش رژیم میشود و دسترنج کارگران به جیب سرمایه داران و ایادی این رژیم ریخته میشود.

اما کارگران در مقابل این وضعیت ساکت نبوده اند. هر روز در گوشه ای از ایران اعتراضات کارگران علیه بی حقوقی و شرایط فلاکت بار اقتصادی شان در جریان

بوده است. روحیه مبارزاتی کارگران دارد بالا میگردد و پتانسیل اعتراضی طبقه کارگر کلیه جناحهای جمهوری اسلامی را بوخت انداخته است. تنها راه بهبود جدی در وضعیت کارگران و میلیونها انسان محروم جامعه سرنگونی جمهوری اسلامی است. رژیم اسلامی و همه جناحهای

آن در تشتت و موقعیت شدیداً آسیب پذیر قرار دارد. وقت آن است که طبقه کارگر برای پایان دادن به عمر نکبت جمهوری اسلامی در ابعاد وسیع و سراسری و با مطالبات سیاسی و آزادیخواهانه به میدان بیاید. حزب کمونیست کارگری ایران ۵ مهر ۱۳۷۹

### Website:

www.haftegi.com

### Email:

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-8701207768

### Address:

BM Box 8927  
London, WC1N 3XX  
England

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com

www.wpiran.org

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

### انترناسیونال هفتگی

### Bank Account:

Z.I. Konto:

520 5164 008

BLZ: 10090000

Beliner Volksbank  
Germany

www.iwsolidarity.com

www.medusa2000.com

www.marxsociety.com

www.kvwpiran.org